



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۴/۶

دوکتور نور احمد خالدي

اسم افغانستان و خراسان

بعضیها میگویند که اسم تاریخی این سرزمین خراسان است و این اسم نباید به افغانستان تغییر مییافت. این ادعا کاملاً درست نیست. نباید حوزه تمدن فرهنگی خراسان را با حوزه جغرافیایی خراسان اشتباه کرد. از لحاظ جغرافیایی صرف نواحی شمال غرب افغانستان امروزی شامل خراسان باستانی میباشد. در "کتاب باربرنامه" از قول ظهردین بابر میخوانیم که او از کابل از طریق هزاره جات بصوب "خراسان" عزیمت میکند و با حکام خراسان در هرات و مرو که از بازمانده گان تیموریها بودند در مورد غایله شیبانی خان ازبک که سمرقند را گرفته بود متحد میشود.

همچنان در بارنامه میخوانیم که: "قندهار در سر راه هندوستان به خراسان قرار دارد و راه از قندهار به خراسان هموار بوده کوه و کوتل ندارد".

صفویها سرزمینهای افغانستان امروزی را بنام خراسان یاد نمیکردند. خراسان در مناطق جغرافیایی شرقی شامل حاکمیت دولت صفوی که در نقشه های آنزمان نشان داده شده شامل (مرو، نیشاپور، مشهد، هرات، غور و بادغیس) میگردید. سایر مناطق جغرافیایی شرقی شامل حاکمیت دولت صفوی شامل زابلستان (مناطق میان غور تا قندهار)، سیستان (از نیمروز تا قندهار)، قندهار، و بلخ میباشند.

هیچ واحد اداره ملکی بنام خراسان در نظام تقسیمات ملکی صفویها موجود نبود:

حاکمیت صفویها تا هرات و قندهار میرسید که به عنوان بیگلربیگیهای (حکمرانیهای) قندهار و هرات توسط حکام صفوی اداره میشدند. باید یاد آوری کرد که قلمرو دولت صفوی نظر به اهمیت به چهار "ولایت" (خان نشین ها، سلطان نشین ها) و سیزده "بیگلربیگی" و تعدادی مناطق کوچک نزدیک پایتخت بنام مناطق خاص منقسم شده بود که هرکدام توسط حکام قزلباش اداره میشدند. خان نشینها و به تعقیب آن سلطان نشین ها نیمه مستقل بودند مانند لرستان، عربستان (خوزستان امروزی)، گرجستان و اردلان. قندهار، هرات، مرو و مشهد هر کدام بطور جداگانه از جمله بیگلربیگیها بودند.

در کتاب سفرنامه جورج فورستر انگلیسی که در سال ۱۷۸۲م از راه کابل، قندهار عازم هرات بود وقتی از فراه میگذرد و قافله حامل او از مسیر غربی رو بجانب شمال میکند مینویسد که حالا ما به جانب "خراسان" در حرکت هستیم.

در جای دیگر فورستر مینویسد که: "نادر افشار بعد از ختم زمامداری افغانها بر فارس شاه طهماسب صفوی را خلع میکند و با قوای بزرگی وارد افغانستان می‌گردد (جورج فورستر، ص ۹۲ جلد دوم). این نقل قول بخاطری مهم است که فورستر قلمرو خراسان افغانی را نیز زیر نام "افغانستان" به حساب می‌آورد.

متعاقب فورستر در سال ۱۸۰۹م مونتسوارت الفونستون در مورد قلمرو دولت سلطنت کابل مینویسد که باآنکه مردم اینجا کدام اسم مشخص بالای کسور خود ندارند، عده آنرا افغانستان، عده هم پختونخوا و تعداد زیادتیر هم خراسان می‌گویند. او مینویسد خراسان تمام این سرزمین را احتوا نمیکند بنابر آن اسم مناسب نیست. او در تمام کتاب خود اسم افغانستان را بکار میبرد و از مردم آن بنام افغانها یاد میکند.

طبیعی است که دولت‌ها به اسم قوم‌ایکه بیشترین جمعیت را دارد و قوم حاکم است نامیده می‌شوند. کشور های روسیه، قزاقستان، ترکیه، عربستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و ده ها کشور دیگر همه به نامهای بزرگترین اقوام ساکن آن کشورها نامیده شده اند. افغانستان استثنای نیست.

باید بخاطر داشت که نامگذاری کشورها بشکل فعلی آن تعامل اروپائی‌ها است. از این لحاظ وقتی میرویس خان هوتک در سال ۱۷۰۹م و به تعقیب او احمدشاه ابدالی این ولایات را متحد ساخت و از آنها در سال ۱۷۴۷م یک کشور مستقل ایجاد کرد اسم مشخصی بالای آن نگذاشتند. احمد شاه ابدالی همانطوریکه امیر خراسان بود امیر قندهار، امیر کابل و امیر کشمیر هم بود.

پشتون‌ها، که آنها را فارس‌ها و اعراب افغان می‌نامیدند، و به تقلید از آنها ترکها ازبک‌ها و مغولها آنها را افغان خطاب کردند و قلمرو شان را "افغانستان" نامیدند، برای سرزمین خود اسم مشخصی نداشتند. باتحکیم امپراطوری ابدالی در نیمه دوم قرن هژدهم میلادی، رفته رفته بکار گرفتن اسم "افغانستان" بالای سرزمینهای تحت قیمومیت این امپراطوری رواج یافت.

دولت به مفهوم اروپائی آن که شامل یک قلمرو معین، محدوده جغرافیائی با اسم معین و ملت معین باشد یک پدیده ناشناخته در مشرق زمین بود. در گذشته سرحدات مشخص نبود و قلمروها بنام فرمانروایان و دودمانها یاد می‌گردید مانند سلسله های طاهریان، صفاریان، سامانیان، سلجوقیان، غزنویان، غوریها و امثالهم. در اول این کشور نو تاسیس نیز اسم معین نداشت به قول الفونستون (۱۸۰۹م) عده آنرا خراسان، برخی افغانستان و عده هم پختونخوا مینامیدند. اما با گذشت زمان اسم افغانستان، که اسم مناطق پشتون نشین آن بود، به تمام کشور تعمیم یافت.

کلمه افغانستان، به مثابه جا و مکان قبایل افغان (پشتون‌ها)، نخستین بار در تاریخنامه هرات، تألیف سیف هروی در اوایل سده چهاردهم میلادی، ذکر شده است.

براساس نظر عبدالحی حبیبی، کلمه افغانستان، به هنگام هجوم چنگیز و زمان آل کرت و غوری‌ها، تنها به ناحیه یا نواحی‌ای گفته می‌شد که افغان‌نشین (پشتو زبان) بوده است. او می‌نویسد: نام افغانستان بار اول در تاریخ از همین زمان ذکر شده... در آن وقت کلمه افغانستان بر سرزمین بین قندهار و غزنی تا دره سند اطلاق می‌شد. شبکه اطلاع رسانی افغانستان در اینترنت مینویسد: "نام افغانستان فقط از اواسط قرن هیجدهم میلادی یعنی از هنگامی که... وحدت سیاسی کشور مجدداً احیاء گشت، بواسطه کثرت جمعیت آن قوم به تمام کشور اطلاق شد و

سرانجام در قرن نوزدهم میلادی شهرت یافت. اگرچه واژه افغانستان، به عنوان نام رسمی این کشور، شاید بار اول در سال ۱۸۰۱ میلادی در قرارداد میان انگلستان و ایران، در مورد قلمرو دولت درانی به کار رفته باشد. متأسفانه این کشور در طول قرن نوزدهم در میان بازی بزرگ دو امپراطوری استعماری زمان، یکی هند برطانوی در شرق و جنوب و دیگری روسیه تزاری در شمال، گیر افتاد، مواجه به لشکر کشیهای متعدد استعمار گران گردید و سلاطین آن در دام دسایس آنها گیر افتادند. در نتیجه قلمروهای تحت حاکمیت آن قبیچ و از پیکرش جدا گردیده و سلاطین آن برای حفاظت نیم باقیمانده از سرزمینهای تاریخی کشور خود، ناچار به قبولی معاهدات تحمیلی سرحدی دو امپراطوری بزرگ استعماری زمان، یعنی هند برطانوی و روسیه تزاری شدند. کشور عملاً به یک مملکت حایل مبدل شد که استقلال خود را در امور خارجی از دست داد.

موضوع مهم این است که آن دولت مقتدر افغان که دولت انگلستان آنرا زمانی خطری برای هند برتانوی میدانست و با تبانی با دولت قاجاری فارس کوشش در تضعیف آن کرد (محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی انگلیس و ایران)، به هر اسم و نامی که قبل از آغاز The Great Game "بازی بزرگ" میان انگلستان و روسیه یاد میگردید، بآنکه به یک کشور کوچک، حایل و ضعیفی مبدل گردید اما خوشبختانه این دولت تا امروز با همان هویت اولی خود هنوز هم پابرجاست.

اما طوریکه دیدیم ۷۳ سال بعد از قیام میرویس خان هوتک و ۳۵ سال بعد از اعلان پادشاهی احمدشاه ابدالی هویت مشخص دولت آنها سبب آن میشود تا اسم "افغانستان" بصورت طبیعی معرف کشور آنها گردد بدون آنکه برای نامگذاری آن مراسم خاصی بنا یافته باشد. جورج فورستر در سال ۱۷۸۲م از کشور افغانستان و ملت افغانستان نام میبرد، در معاهده ۱۸۰۱م میان انگلستان و دولت قاجاری فارس از امپراطوری ابدالی بنام "افغانستان" یاد آوری میشود و در ۱۸۰۹م الفونستون از قلمرو سلطنت کابل بنام کشور "افغانستان" و از مردم آن بنام ملت "افغان" نام میبرد.

بیجهت نیست که محمد شاه قاجار بعد از هزیمت و شکست محاصره یکساله هرات (۱۸۳۸م) در منشوری خطاب به مردم خود به قلم خود از این کشور بنام "افغانستان" نام میبرد.

ملاحظه کنید که این نام گرفتن شاه ایران قبل از آن است که لارد اکلند وایسرای هند برطانوی در بحبوحه آمادگی برای حمله نظامی به افغانستان برای اولین بار در یک نامه رسمی از اسم "افغانستان" استفاده میکند.

پایان